



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
 تاریخ: ۲۳ آبان ۱۴۰۳  
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - مصادف با: ۱۱ جمادی الاولی ۱۴۴۶  
 آیه نبأ - بررسی استدلال به مفهوم شرط - اشکال شیخ انصاری به تقریب اول - شرح رساله حقوق - پیامدهای منفی نگاه حرام  
 - ۵. رنج و مشقت - ۶. بیماری عقل  
 سال شانزدهم  
 جلسه: ۳۸

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در تقریب اول مفهوم شرط در آیه نبأ بود، عرض کردیم شیخ انصاری در تبیین چگونگی استدلال فرمودند مفهوم آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» این است که اگر عادل خبری بیاورد تبیین لازم نیست؛ یعنی بدون تبیین می توان به خبر عادل ترتیب اثر داد و بر طبق آن عمل کرد. این معنای حجیت خبر عادل است. البته ایشان فرمودند اگر وجوب تبیین نفسی باشد یک ضمیمه ای می خواهد، اما اگر وجوب تبیین شرطی باشد نیازی به آن ضمیمه ندارد. نسبت به این مطلب اشکال شد؛ ما عرض کردیم چون احتمال نفسی بودن وجوب تبیین بعید است و این وجوب، وجوب شرطی است دیگر نیازی به آن ضمیمه نیست. محقق عراقی نیز اشکال کردند. نتیجه این شد که تقریب اول از مفهوم شرط بدون آن ضمیمه نیز می تواند ذکر شود.

#### اشکال شیخ انصاری به تقریب اول

علی ای حال چه تقریب اول نیاز به ضمیمه آن مقدمه داشته باشد یا نداشته باشد، این تقریب از ناحیه خود شیخ انصاری مورد اشکال قرار گرفته است. ایشان می گوید اگر شرط محقق موضوع باشد مفهوم ندارد، اما اگر شرط محقق موضوع نباشد، این جمله دارای مفهوم است. قضیه شرطیه اینجا از مواردی است که شرط محقق موضوع است و لذا مفهوم ندارد. این خلاصه ادعای ایشان است. ایشان یک مطلبی را به صورت کلی بیان کرده و بعد تطبیق داده بر این آیه و پس از آن به مفهوم شرط اشکال کرده است.

#### شرط محقق موضوع

ما اول باید این مطلب را توضیح دهیم که اساساً شرط محقق موضوع یعنی چه و چرا اگر شرط محقق موضوع باشد دیگر جمله شرطیه مفهوم ندارد؟

منظور از شرط محقق موضوع به گفته محقق نایینی شرطی است که در آن جزاء توقف عقلی بر شرط دارد. اگر در جمله شرطیه جزاء متوقف باشد عقلاً بر شرط، این شرط به نام محقق موضوع شناخته می شود.

محقق خوبی در تفسیر شرط محقق موضوع می گویند در این شرط، تعبدی نسبت به جزاء اعمال نمی شود، البته ممکن است اینها دو بیان از یک حقیقت باشند.

به هر حال شیخ انصاری فرموده که شرط محقق موضوع، یعنی شرطی که خودش موضوع را می‌سازد، یعنی بعضی شرطها از موضوع جدا نیستند، اما بعضی از شرطها زائد بر موضوع هستند، مثلا در جمله «ان جائك زيد فاکرمه» شرط عبارت از مجعی زید است، موضوع خود زید و حکم، اکرام است. اینجا شرط یعنی مجعی زید از موضوع جداست، شرط یک امری زائد بر موضوع است، مجعی زید، زائد بر زید است زید یک چیز است و مجعی زید یک امر دیگری است. لذا اگر به صورت شرطیه جمله شرطیه گفته شود «ان جائك زيد فاکرمه» یعنی اینکه این حکم در صورت مجعی زید محقق است و در صورت عدم مجعی زید منتفی می‌شود، معنای مفهوم این است، انتفاء عند الانتفاء. اما اگر شرط به گونه ای باشد که زائد بر موضوع نباشد بلکه خودش موضوع ساز باشد، مثل «ان رزقت ولدا فاختنه» که ظاهرش یک جمله شرطیه است و می‌گوید اگر خدا به تو پسر داد او را ختنه کن، «ان رزقت ولدا» شرط زائد بر موضوع نیست، حکم، وجوب ختنه است، موضوع، ولد و شرط رزق الولد، اینجا شرط یک چیزی زائد بر موضوع نیست، می‌گوید اگر خدا به تو فرزند داد او را ختنه کن، پس شرط امری زائد بر موضوع نیست، بلکه با این شرط موضوع ساخته و محقق می‌شود، پس ما دو نوع شرط داریم، شرط محقق موضوع و غیر آن. مثال‌های روشنی هم برای این می‌توان بیان می‌کنند، مثل:

۱. «إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ» که در آن حکم وجوب استماع بار شده است بر صورت قرائت القرآن، موضوع قرائت القرآن، زیرا خود قرآن را که نمی‌شود استماع کرد، استماع در جایی است که قرائت باشد، اگر قرائت قرآن نباشد اصلا استماع معنا ندارد. اینجا در واقع این شرط محقق موضوع است، چون با این شرط دارد موضوع برای حکم می‌سازد، موضوع برای استماع، قرائت القرآن است.

۲. «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا» اگر شما با یک تحیت و درودی مواجه شدید پس شما به صورت نیکوتر تحیت و سلام درود دهید «بأحسن منها أو رُدُّوْهَا» اینجا نیز «حیوا» به عنوان حکم یعنی تحیت دادن، موضوعش چیست؟ شما تحیت بدهید به شرط اینکه او تحیت بدهد. پس وجوب تحیت، موضوعش تحیت آن طرف است، این جواب آن محسوب می‌شود و این شرط «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ» در واقع دارد محقق می‌کند موضوع را، یعنی این شرط خودش موضوع ساز است برای پاسخ دادن. این هم یک مثال.

۳. «ان ركب الامير فخذ ركابه» اگر امیر سوار بر اسب شد شما رکابش را بگیرید، امر به اخذ رکاب امیر در چه صورت عملی می‌شود؟ وقتی او سوار شود، پس موضوع عبارت است از رکوب الامیر که گرفتن رکاب را واجب می‌کند، رکوب الامیر یک موضوع است، اینجا دارد این را در قالب شرط بیان می‌کند، می‌گوید «ان ركب الامير» یعنی این شرط خودش موضوع می‌سازد، این شرط محقق موضوع است. یک مثالش هم همین آیه است که تطبیقش را بعدا بیان می‌کنیم.

پس شرط محقق موضوع یعنی شرطی که سازنده موضوع و محقق کننده آن است، این شرط در واقع در صدد درست کردن موضوع برای حکم است.

شیخ انصاری می‌گویند اگر ما قائل به این شویم که قضایای شرطیه مفهوم دارد، در چنین قضایایی است و الا مطلقا نمی‌توانیم بگوییم مفهوم دارد. پس به نظر ایشان اگر ما قائل به مفهوم شرط در قضایای شرطیه شدیم آن وقت می‌توانیم بگوییم آن دسته از شروطی که محقق موضوع نباشند دارای مفهوم هستند اما اگر شرطی محقق موضوع باشد دیگر مفهوم ندارد.

البته همانطور که بیان شد محقق نایینی در تفسیر شرط محقق موضوع می‌گویند جزاء بر شرط توقف عقلی دارد. مثلاً در «ان رزقت ولدا فاختنه» توقف ختان بر رزق ولد عقلی است، اگر ولد نباشد ختنه معنا ندارد یا مثلاً تا قرائت القرآن نباشد استماع معنا ندارد، استماع متوقف بر قرائت قرآن است، لذا توقف جزاء بر شرط عقلی است.

سوال:

استاد: ما الان حرف شیخ انصاری را بیان می‌کنیم و مطلب ایشان را توضیح می‌دهیم، نمی‌گوییم اینطور است. محقق خراسانی به ایشان اشکال کرده، ما می‌گوییم اینکه ایشان می‌فرمایند اگر شرط محقق موضوع باشد جمله شرطیه مفهوم ندارد، این یعنی چه؟ حال بعد این را بررسی می‌کنیم.

محقق خوبی البته یک تعبیر دیگری دارند. ایشان می‌فرماید که منظور از شرط محقق موضوع یعنی هیچ تعبدی نسبت به جزاء اعمال نشده است. یعنی بدون اینکه تعبدی اعمال شود، این جزاء ثابت است در «ان جائك زيد فاکرمه» تعبد باید اعمال شود، زیرا زید دو حالت دارد، در فرض مجبی باید اکرام شود، اما در فرض عدم مجبی اکرام لازم نیست، پس کسی باید ما را به اکرام در یک فرض متعبد کند، اگر تعبد در کار نباشد ممکن است اکرام صورت نگیرد، یعنی اگر مداخله تعبد و اعمال تعبد نباشد می‌تواند جزاء محقق نشود. اما در «ان رزقت ولدا فاختنه» نیازی به تعبد نیست، جزاء بدون تعبد محقق است، زیرا دو حالت ندارد، دو فرض و دو صورت ندارد.

شیخ انصاری حرفشان این است، ما با این تفاسیر کاری نداریم، اصل حرف معلوم است، تفاوت‌هایی بین تعبیر شیخ انصاری و محقق خوبی و محقق نایینی وجود دارد ولی اصلش روشن است. نظر شیخ انصاری این است که در جایی که شرط محقق موضوع است، اصلاً مفهوم وجود ندارد، اما اگر شرط محقق موضوع نباشد، شرط دارای مفهوم است.

شیخ انصاری آنگاه می‌فرماید: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» دقیقاً همینطور است، یعنی شرط، محقق موضوع است، لذا مفهوم ندارد، چون خداوند می‌فرماید اگر فاسق خبر آورد تبیین کنید، دقیقاً مثل «ان رزقت ولدا فاختنه» است یعنی این شرط «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ» موضوع ساز است، برای بیان تحقق موضوع است، زیرا موضوع در این آیه «النبأ الذي جاء به الفاسق» است. آیه می‌گوید وقتی فاسق خبری آورد تبیین کن، این معنایش این است که وقتی فاسق خبری نیافرید تبیین لازم نیست، وقتی فاسق خبری نیافرید می‌شود سالبه به انتفاء موضوع، دیگر موضوعی برای تبیین نیست، خبری نیست که بخواهد تبیین شود، آن کسی که به این آیه برای حجیت خبر واحد استدلال می‌کند، باید یک خبری را فرض کند و بگوید در این فرض تبیین لازم است و در آن فرض تبیین لازم نیست. اما این آیه این معنا را نمی‌رساند، «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ» معنایش این است که اگر فاسق خبری آورد تبیین کنید اما «ان لم یجئکم فاسق نبأ» یعنی اگر خبری از ناحیه فاسق نبود تبیین لازم نیست. پس آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» از قبیل آیه «إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ» و از قبیل «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» یا «ان ركب الامير فخذ ركابه» است که در آنها شرط، محقق موضوع است و در این نوع قضایا مفهوم ثابت نیست. این خلاصه فرمایش محقق شیخ انصاری است ولی محقق خراسانی به این مطلب اشکال کردند که در جلسه بعد به آن می‌پردازیم.

شرح رساله حقوق

ما عرض کردیم که امام سجاد(ع) فرمودند که حق عورت، حق فرج این است که آن را از حرام حفظ کنی و حفظ آن از حرام با کمک بعضی از امور صورت می‌پذیرد، مهمترین آنها غض البصر است، «فانه من اعون الاعوان» ما توضیح دادیم که چرا غض البصر اعون الاعوان است، توضیح دادیم نسبت بصر و دیدن و نظر با روح و قلب و جان آدمی و تأثیراتی که دارد چیست. سپس اشاراتی کردیم به بعضی از پیامدهای منفی حرام و چهار اثر منفی را بیان کردیم، چند اثر دیگر مانده است که باید آنها را بیان کنیم و بعد می‌رویم سراغ آثار مثبت خودداری از نظر حرام.

### پیامدهای منفی نگاه حرام

#### ۵. رنج و سختی

یکی از مشکلات و گرفتاری‌هایی که با نظر حرام پدید می‌آید رنج و ناراحتی و سختی است. کسی که چشم را تحت کنترل خودش قرار ندهد، کسی که رها کند چشم را، خودش را به زحمت می‌اندازد. حضرت علی(ع) می‌فرماید «من اطلق ناظره اتعب حاضره»<sup>۱</sup> کسی که بیننده را رها کند وضع زندگی خود را به سختی انداخته، خودش را گرفتار کرده. یعنی نگاه کردن به نامحرم موجب الم و درد است نه لذت، اینکه کسی که گمان کند مثلا با نگاه کردن لذت می‌برد، ممکن است در یک آن این اتفاق بیفتد ولی از آنجا که آدمی با این دیدن سیراب نمی‌شود بیشتر عطش و تشنگی و درد پیدا می‌کند این مثل چشیدن از آب دریا است، کسی که برای رفع تشنگی از آب دریا می‌خورد لحظه اول ممکن است گمان کند تشنگی او کم شده است، ولی یقینا تشنگی او بیشتر می‌شود و این باعث هلاکت می‌شود. لذا حضرت می‌فرماید کسی که چشم خودش را رها کند در واقع زندگی خودش را به درد و رنج و الم انداخته است.

#### ۶. بیماری عقل

نظر ناروا و نگاه حرام هم چنین موجب بیماری عقل می‌شود، عقل انسان را سست می‌کند، کارایی عقل انسان را می‌گیرد، فراست و تیزی و دقتی که باید عقل داشته باشد با نظر ناروا از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود. طبیعی هم هست، بالاخره وقتی نگاه موجب ورود تصاویر مختلف در ذهن انسان می‌شود، ذهن آن را تجزیه و تحلیل می‌کند، رشته افکار را پاره می‌کند، ذهن را همچون پر کاهی از این سو به آن سو می‌برد، مانع تمرکز آدمی می‌شود و این کم کم باعث بیماری عقل می‌شود. برای همین است که حضرت علی(ع) می‌فرماید: «قرین الشهوة مريض النفس معلول العقل» کسی که با شهوت قرین باشد، نفسش مریض و عقلش معلول است. طبیعتا تحریک شهوت یکی از مهمترین ابزارش چشم است، چشم می‌تواند انسان را قرین شهوت کند و کسی که قرین شهوت شود عقلش بیمار می‌شود، از قوت عقل کاسته می‌شود. برای همین است که حضرت علی(ع) می‌فرماید «ذهاب العقل بين الهوى والشهوة» گرفتاری انسان به هوا و شهوت موجب ذهاب عقل می‌شود، این مسئله تاثیر جدی در این زمینه دارد.

اگر بخواهیم این آثار را نقل کنیم زیاد است در روایات، من فقط به عنوان نمونه گفتم.

اگر بخواهیم آثار نگاه ناروا و حرام را دسته بندی کنیم دو دسته آثار را می‌توان ذکر کرد، آثار مادی و آثار معنوی یا به تعبیر دیگر آثار دنیوی و آثار اخروی، از هر دو منظر می‌شود این تقسیم بندی را کرد. تا اینجا به شش اثر اشاره کردیم این آثار یا معنوی است؛ مثل اینکه این باعث می‌شود که توفیق عبادت از انسان سلب شود، لذت عبادت از انسان سلب می‌شود، این باعث ظلمت و تاریکی

<sup>۱</sup> غرر، ج ۲، ص ۳۰۴.

قلب می‌شود، این در همین دنیاست، ولی معنوی است و دوری از رحمت خدا در روز قیامت، پس این هم در دنیا و هم در آخرت اثر می‌گذارد، هم اثر مادی دارد و هم اثر معنوی دارد، این راجع به نظر حرام.

از آن طرف فرو بستن چشم از حرام یک سری آثار دارد که من یک اثر را در جلسه گذشته بیان کردم و بقیه را در جلسات بعد بیان می‌کنم. آن اثری که در گذشته بیان کردیم همان حلاوت ایمان بود. آثار دیگری هم دارد که در جلسه بعد بیان می‌کنم.

«والحمد لله رب العالمین»